

روز نهم ربیع‌الاول روز بیعت، تجدید میثاق و عهد با امام زمان (عج) است. اما فلسفه این بیعت چیست و چرا باید هرسال تجدید شود؟ در طول تاریخ امامت، رایج بوده است، زمانی که امامی به شهادت و امام بعدی به امامت می‌رسید، جامعه شیعی با آن امام بیعت می‌کردند. این بیعت نقش تاثیرگذاری در حکومت امام داشت. بیعت با امام عصر دائما باید تجدید شود. حجت‌الاسلام محمدصادق کفیل،

فلسفه بیعت هرساله با امام زمان (عج) چیست؟

کارشناس مهدویت می‌گوید: «این کار، بیعت با امامت نیست زیرا امام را خداوند منصوب کرده است و مردم در امام شدن ایشان نقشی نداشتند. بلکه معنای عرض ازادت و تبعیت دارد بنابراین بیعتی که شیعیان با امام زمان (عج) کرده‌اند نیازمند آن است که دائما تجدید شود.»

شیعیان در نهم ربیع‌الاول با امام زمان اینگونه بیعت می‌کنند: پس جان و مال و فرزندان و خویشان و هر آنچه را که پروردگارم

به من داده به پیشگاهت و در راه تو و آرمان‌ها و فرامین تو، تقدیم می‌کنم و این همان عهد من تاوست.»

کفیل می‌گوید: «بیعت یعنی ما در عهد و عقد با امام پیمان می‌بندیم و ملتزم به آن پیمان هستیم. بیعت با امام به این معنا است که تمام وجودم در عهد با امام است و این بیعت یعنی خواست امام را بر خواست خودم ترجیح می‌دهم.»



بزرگ برای برپایی عزا کنار هم نشسته بودند. در میانه روضه و عکاسی از افراد و فضای روضه، به خانه‌ای نقلی دعوت شدم. صاحب‌خانه مادری با قدی کوتاه، خونگرم و خوش‌صحبت، همان ابتدا مرا به آغوش کشید.

خانه هم مثل کوچه سیاه‌پوش و مملو از پرچم‌های سیاه و سبز و قرمز بود. سریا و بدون آن‌که سوالاتم را شروع کنم، مادر شیرین‌سخن و مهربان محله و میزبان اصلی این مراسم شروع به صحبت کرد. این در حالی بود که بیرون از خانه افراد در حال عزاداری و قرائت زیارت عاشورا بودند و تعداد کمی هم در آشپزخانه در حال تهیه و توزیع جای بودند و تردد می‌کردند؛ مادونفر در گوشه‌خانه به‌گفت‌وگو نشستیم.

با پارانامه روضه‌داری می‌کنم

خانم کبیری با زبان شیرین آذری شروع به حرف زدن کرد؛ دخترم! من از ۵ سالگی در دستگاه امام حسین (ع) هستم. روستای ما حوالی شهرستان میانه از توابع آذربایجان شرقی، مساجد زیادی داشت. من به خاطر علاقه شدیدی که به ساحت امام حسین (ع) داشتم، هر کاری که فکر کنید؛ کردم. از استکان شستن تا آب و جارو کردن مساجد و تکایای محل تا حتی دوختن لباس عزا و منشی با چرخ خیاطی قدیمی خودم. حاج خانم با تاکید بر این‌که بعد از سال‌ها خادمی در مساجد، همیشه دوست داشتم خودم در خانه شخصی مهماندار و پذیرای مهمانان امام حسین (ع) باشم، گفت: بعد از ازدواج این کار را شروع کردم. از آنجا که من، هم در خانه پدری و هم در خانه همسرم بضاعت کافی نداشتم، به هرنحوی که در توانم بود این کار را انجام دادم. شاید باور نکنید همین الان هم من با پارانامه‌ای که می‌گیرم، هزینه روضه‌ها و مراسمی که برپا می‌کنم را تأمین می‌کنم.

همسایگان حسینی

خانم کبیری ضمن اشاره به داستان زندگی و سختی‌ها و اتفاقاتی که برایش افتاده بود گفت: من هم در دوران یتیمی و بعد از آن که همه اموال پدرم را اطرافیانم بالا کشیدند تا ازدواج و بزرگ کردن هشت فرزند (چهار دختر و چهار پسر) و حتی پس از گذشت بیش از ۳۰ سال از فوت همسر، همه این سال‌ها به تنهایی و دست خالی روضه‌دار این دستگاه هستم و شکر خدا همه این ۳۵ سال بدون وقفه هر ساله دهه اول محرم را در خدمت امام حسین (ع) بوده‌ام.

ما در دهه اول محرم که مراسم از ساعت ۴:۳۰ شروع می‌شود تا ساعت هفت زیارت عاشورا و حدیث کسا و دعای توسل می‌خوانیم و قرائت قرآن داریم. سخنرانی و بیان احکام هم که به قوت خودش برقرار است. به لطف و مهربانی، خدا همسایگانی مهربان و حسین‌چی (عاشق امام حسین (ع)) به من عطا کرده است. بعد از دوران کرونا که مجبور بودیم در فضای بیرون عزاداری کنیم و الان هم به علت گرما و تنگی جا، در کنار همسایگان و در کوچه مراسم دهه را برپا می‌کنیم. خانم کبیری گفت: در این مراسم همه همسایگان علی‌الخصوص هشت همسایه دیوار به دیوار مشارکت مادی و معنوی دارند. پذیرایی ما با چای، شربت، شیرینی و میوه است و هر کس نذری داشته باشد می‌آورد. روز آخر مراسم هم پخت و پخش حلیم داریم. خانم کبیری گریه سواد چندانی ندارد اما شاعر است و نوحه‌خوانی هم می‌کند. او از همه فرزندان خود راضی است و حمد الهی را به خاطر این نعمت، بارها و بارها به جا می‌آورد. پیری و پیرغلامی در راه امام حسین (ع) را به همه رنج‌هایی که کشیده می‌بخشد و دائم نثای امیرالمومنین (علی (ع) و دعای ظهور امام زمان (ع) را بر زبان دارد.

محرم و صفر در «زنجان»

حال و هوای دیگری دارد و در اکثر مساجد، تکایا و منارل، مراسم مختلفی برپا می‌شود. شور و شوق نوای «یا حسین» در این شهر، قدمتی دیرینه دارد. اوج این مراسم دهه اول ماه محرم است که کل شهر سیاه‌پوش عزای امام حسین (ع) می‌شود. از حسینیة اعظم گرفته تا زینبیه‌اعظم و تعزیه‌های چند صد ساله و روضه‌های خانگی مداران زنجان، آنچه می‌خوانید و روایت از دو روضه خانگی در زنجان است که با هم تفاوت‌های زیادی دارد.



آذر عباسی
روزنامه‌نگار

روایت اول / دارا

به شهرک اندیشه یکی از شهرک‌های خوب شهر زنجان دعوت شدیم. مراسم ساعت ۶:۳۰ صبح شروع می‌شد. حدود ساعت هشت و اواسط برنامه به خانه خانم لوزمیان رسیدیم. زیارت عاشورا و قرائت قرآن تمام شده بود و سخنران، پشت تریبون بود.

خانه طوری طراحی شده بود که سه گوش به نظر می‌آمد. ورودی خانه نمایی مرموزی و لوکس داشت. چند پله بزرگ، حیاط را به طبقات بالا وصل می‌کرد و دو طرف آن پنجره‌های بزرگی تعبیه شده بود. سمت راست حیاط چند قابلمه بزرگ و تعدادی دیس و سینی جلواگذاشته بودند و سمت چپ، پارکینگ خانه و محل برپایی مراسم بود.

انواع و اقسام خوراکی‌ها

بساط پذیرایی گوشه پله‌ها قرار داشت؛ روی میز، سماور، استکان، چای، قند، نبات، شربت، شیرینی و میوه کنار هم چیده شده بود. محوطه بیرون و دور تا دور پارکینگ، پرچم‌های سیاه و قرمز کشیده بودند و پرچم بزرگ گنبد امام حسین (ع) هم جلوی در نصب شده بود. داخل پارکینگ که بیشتر شبیه تکیه و حسینیه شده بود مملو از مادران میانسال و دختران جوان بود. تعدادی نوجوان و کودک هم در حال آماده شدن برای برگزاری مراسم نمادین اسرا و خروج اسیران از کربلا بودند.

سر صبح، هوای داخل پارکینگ حتی با وجود چند پنکه و کولر، بسیار گرم بود و چند نفر بیرون چادر و خیمه نشسته بودند. پخش آب‌تشت و اهدای دستمال اشک و تبرک لباس

بچگانه برای اجابت دعا از دیگر برنامه‌ها بود و بعد از سخنرانی، با پذیرایی صبحانه، مراسم به اتمام رسید. آن روز چند نفر برای ناهار غذای نذری آورده بودند که بین شرکت‌کنندگان توزیع شد. چند ساعت بعد، من هنوز منتظر بودم تا فرصتی مناسب برای گفت‌وگو با خانم لوزمیان، بانی این روضه پیدا کنم.

نگران روضه‌ام هستم

خانم لوزمیان، مادر ۷۴ ساله‌ای که در کل مصاحبه چشمانش پر از عشق و اشک و اشتیاق برای امام حسین (ع) بود. خانم لوزمیان سه فرزند داشت و اماتدار یک ریسمان رسیده از اجداد خود بود. عشق موروثی پدر و مادر خویش و چرخ‌دار اجاقی که چند نسل پیش روشن شده بود، دائم در مسیر سخنانش از این میراث می‌گفت و وصیت و توصیه به نگهداری از آن را به میان می‌آورد. اصلی‌ترین درخواست و نگرانی او همین نور و نوا بود.

وقتی جویای نیت این سفره و روضه شدم، با صدای آرام و شرم‌گرفته‌ای گفت: دخترم! من در ۱۳ سالگی از خدا همسری مؤمن و با ایمان و پولدار و همچنین دو دختر درخواست کردم؛ به این شرط که اختیار خانه و پول‌ها دست من باشد تا بتوانم برای امام حسین (ع) مراسم برپا کنم. همان‌طور هم شد. در ۱۷ سالگی ازدواج کردم و مادر دو دختر شدم و بعدها با توسل به

امام حسین از پیشگاه ایشان تمنای فرزند ذکور کردم که با لطف و محبت ایشان، خداوند پسری به اسم «صمد» به من بخشید.

خانم لوزمیان برایم از خاطرات و اتفاقات زندگی‌اش گفت: دخترم! هر چه خواستم خداوند به حرمت امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) به من و خانواده‌ام عطا کرده است. من هنوز پایینند عهدی که در ۱۳ سالگی بسته بودم هستم و ایستاده‌ام. نذر سفره حضرت ابوالفضل (ع) را از سال ۶۲ در ده روز آخر ماه صفر یا ۲۰۰ تومان شروع کردم و هم‌زمان با شهادت امام رضا (ع) سفره‌دار و میزبان مهمانان حضرت ایشان بودم و در روز آخر با پختن شام، پرچم‌های عزای امام حسین (ع) را جمع می‌کردم.

۴۰ سال به عهده وفادار بودم

این سفره‌دار با اشاره به این‌که از علما و بزرگان دینی چون آیتا... بهجت، ثواب اطعام و روضه‌داری در دهه اول محرم را شنیده بودم، ادامه داد: من هم تصمیم گرفتم عهده و نذر خود را به ۱۵ روز اول محرم بیاورم و شکر خدا بیست سال دوم را در دهه اول ماه محرم برپا کردم. از آنجا که نذر من مکان معینی نداشت هر جاکه می‌توانستم و برابرم امکان داشت آن را برپا کردم و شکر خدا همه این ۴۰ سال به عهده وفادار بودم. حتی در دو سال دوران کرونا و اجبار تعطیلی مجلس و روضه، در

روستای آبا و اجدادی و باغ پدری و در فضای باز و بیرون روستای اژدها و زنجان مراسم دهه را برگزار کردم.

خانم لوزمیان گفت: شکر خدا هر جا و هر مکان که این مراسم را برپا کرده‌ام، برای همسایگان و صاحب‌خانه‌ها پریکرت و سپروزی بوده است. به‌طور مثال در مراسم‌های دو سال کرونا، ۱۵ خادم خانم و دختران سن بالایی که ازدواج نکرده بودند، حضور داشتند؛ شکر خدا همگی آنها همان سال ازدواج کردند و به خانه پخت رفتند. اکثر افراد روستای پدری و اطرافیان که به زیارت حرم امام رضا (ع) تفرقه بودند را به مشهد مقدس اعزام کردم. بعد از آن هر سال همه تلاش و سعی خود را می‌کنیم با هزینه خود و خانواده، افراد بی‌بضاعت و زائر اولی را به حرم امام رضا (ع) روانه کنیم.

همه هزینه‌ها با من

وی از شفاگرفتن چند نفر از دوستان و نزدیکان خود گفت و با اشتیاق از رازها، نیازها و معجزاتی در طی این مراسم‌ها تعریف کرد. وقتی از خانم لوزمیان در خصوص مراسم و ترتیب و نوع و نحوه برگزاری مراسم پرسیدم، با تاکید این نکته که هیات ام‌البین (س) و مراسم ما خانوادگی است، گفت: همه هزینه‌ها و مراسم در همه این سال‌ها را خودم و خانواده و فرزندانم تقبل کرده‌ایم و ریالی از کسی دریافت نکردم. البته این راهم بگویم که نذوراتی که خانم‌ها در میانه‌هایت می‌دهند



عزاداران بنام در زنجان

عزاداری مردم زنجان در کشور مشهور است و سالانه افراد زیادی از سراسر کشور برای حضور در این عزاداری پرشور به این استان می‌روند. همه ساله از شب اول تا سیزدهم محرم، مراسم عزاداری در زنجان برگزار می‌شود و مهم‌ترین و با عظمت‌ترین روز برگزاری آن، هشتم محرم (شب تاسوعا) به‌شمار می‌رود و سال‌هاست در این دسته عزاداری، صدها هزار نفر از شهروندان و گردشگران مذهبی شرکت می‌کنند. در این روز مردم از اقصی نقاط کشور و حتی بسیاری از کشورهای خارجی برای شرکت در این حرکت عظیم به شهر زنجان می‌آیند تا به دریای خروشان عزاداران ایا عبا... (الحسین (ع)) بپیوندند.

میدان



شیرین شدن عید با «علی حب النبی»

حجت‌الاسلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، با انتشار ویدئویی از محفل قرآنی کم‌تظیری که با حضور عوامل برنامه تلویزیونی محفل در حرم مطهر رضوی برگزار شد، در صفحه شخصی خود نوشت: عید ما شیرین‌تر می‌شود اگر همه امت اسلام، زیرسایه قرآن، «علی حب النبی»، با وحدت، دردهای خود را درمان کند و خصم ظالم و عون مظلوم باشد؛ وجه دردی جانکاه‌تر از مظلومیت مردم مقاوم غزه. پوشش بین‌المللی «علی حب النبی» با هدف ترویج فرهنگ کار خیر و عشق به پیامبر اکرم (ص)، هم‌زمان با هفته وحدت آغاز شده‌است و افراد از سراسر جهان با انجام کارهای خیرخواهانه، عشق و ارادت خود را به پیامبر مهربانی‌ها نشان خواهند داد.

معبد

مسجدی روی آب

مسجد امام صادق (ع) ونایی از توابع پرورد بر روی چشمه‌ای جوشان بنا شده که طراوت و پاکي آب چشمه، فضای مسجد را دلنوازتر کرده است، چشمه جوشان که از زیر مسجد عبور می‌کند در حیاط مسجد حوضی زیبا و طبیعی پدید آورده که ژلای و خنکای آن چشم و دل هر گردشگری را نوازش می‌دهد. آب چشمه به قدری خنک و گواراست که گردشگران نمی‌توانند از کنار آن به راحتی گذر کنند و معمولاً در زمان نماز ظهر برای گرفتن وضو با آب چشمه و اقامه نماز به این مسجد سر می‌زنند. امام جماعت مسجد امام صادق (ع) ونایی نیز هر روز هم‌زمان با اذان ظهر و عصر در مسجد حضور دارد و نماز جماعت برپاست. یکی از جاذبه‌های گردشگری ونایی، مسجد امام صادق (ع) مورد توجه گردشگران است. یکی از موارد لازم برای گردشگری ونایی، نصب تابلو برای معرفی مکان‌های گردشگری از جمله مسجد امام صادق (ع) روستاست. منطقه گردشگری ونایی بسیار خوش آب‌وهوا و همواره مورد پسند گردشگران است. قرارگرفتن ونایی در دامنه کوه گرین از سلسله جبال زاگرس باعث جذاب شدن گردشگری آن شده است. با گذر از جاده‌ای باریک و پرپیچ‌وخم و جنگلی به ونایی بروجد می‌رسی و وارد ونایی شهر نمونه گردشگری در شهرستان بروجرد می‌شوی.



ایتار

جلال اسدی در ایران هم ناجی بود



شهید جلال اسدی در ایام اربعین برای نجات جان زائران دل به آتش زد و به شهادت رسید. جلال در ایام محرم برای خدمت‌رسانی در موبک آرمان حسین (ع) که توسط دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی و برای دومین سال متوالی در کربلا برپایی شود، مشغول خدمت‌رسانی بود. در این بین به یک‌باره هتل هفت طبقه مجاور موبک دچار حریق می‌شود. او در طبقات پایین زائران را آگاه می‌کند و نجات می‌دهد. اما پس از رسیدن به طبقه هفتم یعنی محل اصلی آتش‌سوزی دچار سوختگی شدید می‌شود. وی پس از یک ماه بستری در بیمارستان مطهری تهران، به شهادت رسید. حالا مادر شهید جلال اسدی از فداکاری‌های گذشته پشرش روایت می‌کند. وی می‌گوید: پسر من قبل از عزیمت به کربلا در محله ما وقتی ساختمانی طعمه حریق شده بود و کسی جرأت ورود کردن به ساختمان را نداشت، جلال وارد ساختمان می‌شود و جان یک مادر و فرزندانش را نجات می‌دهد. جلال اسدی تنها نمونه‌ای از صدها ایرانی فداکاری است که برای راهپیمایی اربعین در سرزمین عراق، از خودگذشتگی می‌کنند تا سهم خود را در خدمت به زائران حضرت ابا عبا... علیه‌السلام، ایفا کنند.